خبر

پزشکیان در دیدارهای جداگانه با معاون نخست‌وزیر و وزیر خارجه عمان:

صلح و امنیت منطقه‌ای باید توسط کشورهای منطقه برقرار شود

رئیس‌جمهور با اشاره به اراده رهبران ایران و عمان برای توسعه روابط، تقویت مناسبات دوجانبه را در جهت تأمین منافع مشترک دو کشور ضروری دانست و گفت: ظرفیت‌های فراوانی در هر دو کشور برای گسترش همکاری‌ها وجود دارد.

به گزارش ایسنا، مسعود پزشکیان پیش از ظهر دیروز چهارشنبه، در ادامه برنامه‌های سفر به عمان، در دیدارهای جداگانه با فهد بن‌محمود آل‌سعید، معاون نخست‌وزیر در امور کابینه و بدر بن‌حمد البوسعیدی، وزیر امور خارجه عمان، راه‌های تقویت همکاری‌های دوجانبه و مسائل منطقه‌ای را مورد بررسی قرار دادند.

رئیس‌جمهور با اشاره به اراده رهبران دو کشور برای توسعه روابط، تقویت مناسبات دوجانبه را در جهت تأمین منافع مشترک ایران و عمان ضروری دانست و تأکید کرد: ظرفیت‌های فراوانی در هر دو کشور برای گسترش همکاری‌ها وجود دارد.

پزشکیان اظهار کرد: امروز این اراده را از سوی هر دو طرف برای تعمیق همکاری‌ها مشاهده می‌کنیم و در دولت جمهوری اسلامی ایران، این اراده به‌صورت کامل وجود دارد.

رئیس‌جمهور با اشاره به برخی ناآرامی‌ها در منطقه، ایجاد ثبات را مسئولیتی مشترک برای کشورهای اسلامی دانست و تأکید کرد: ما همواره تأکید کرده‌ایم که صلح و امنیت منطقه‌ای باید توسط کشورهای منطقه برقرار شود.

پزشکیان در دیدار با بدر بن‌حمد البوسعیدی، وزیر امور خارجه عمان نیز با اشاره به روابط مثبت دو کشور، بر ضرورت استمرار و تحکیم مناسبات دوجانبه، همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین تسهیل مبادلات اقتصادی و گسترش همکاری‌های تجاری تأکید کرد.

فهد بن‌محمود آل‌سعید، معاون نخست‌وزیر عمان، در این دیدارها با استقبال از سفر دکتر پزشکیان، این سفر را گامی مؤثر برای توسعه روابط دوجانبه دانست و افزود: روابط عمان و ایران، برادرانه، تاریخی و نمونه‌ای موفق از تعامل میان دو کشور همسایه است.

معاون نخست‌وزیر عمان تأکید کرد: ملت ایران را ملتی بزرگ می‌دانیم و معتقدیم تعامل، همکاری و گفت‌وگوی سازنده با جمهوری اسلامی ایران به نفع دو ملت خواهد بود.

سیدحسن خمینی:

مجلس با همدلی با دولت مشکلات کشور را مرتفع کند

تولیت آستان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی گفت: امیدوارم مجلس بتواند مشکلات بزرگ پیش‌روی کشور را با همدلی با دولت مرتفع کند. به گزارش ایسنا، سیدحسن خمینی صبح دیروز (چهارشنبه) در تجدید بیعت نمایندگان مجلس با آرمان‌های بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی، با تسلیت شهادت امام جواد(ع) و همچنین تبریک به قالیباف برای ریاست مجلس در اجلاسیه دوم، گفت: امیدوارم مجلس بتواند مشکلات بزرگ پیش‌روی کشور را با همدلی با دولت مرتفع کند.

وی در ادامه بیان کرد: ما گاهی وقت‌ها حضور برای خدا و نفس را گم می‌کنیم؛ حضرت امام(ره) به عرفان مثبت و منفی تعبیر می‌کنند. امام می‌فرماید عرفان مثبت عرفان امیرالمؤمنین(ع) و با شمشیر در میدان و عرفان منفی عرفان کناره‌گرفتن و گوشه‌نشینی است.

سیدحسن خمینی بیان کرد: امام مظهر کسی است که هجرت او «اله الله و رسول‌الله» است، اما آیا ما عارف‌هایمان را این‌گونه به جامعه معرفی کرده‌ایم؟

یادگار امام(ره) افزود: عرفان بعد می‌سازد و زهد به معنای دنیاگریزی و حضور در میدان جهاد و شهادت است. اینکه ذکر بگویم و چله بنشینم یک‌هزارم جانباز و شهید نیست؛ آن‌کسی جامعه را عارف و سالک کرده که در میانه میدان است.

وی بیان کرد: اشتباه ما در تعریف این مفاهیم در جامعه است که درک نادرستی از بحث عرفانی پیدا می‌کنیم، بعد به جامعه پیام می‌دهند که حضور در سیاست پستی می‌آورد و اگر می‌خواهید دامن‌تان آلوده نشود از سیاست دل بکنید، این وسط روحانیت اشتباه کرده که وارد سیاستی شده و دیندار به غلط وارد جامعه شده است، حال اینکه دینداری که درد مردم را ببیند و وارد جامعه نشود، دیندار نیست. بعد جدایی دین از سیاست را ترویج می‌دهند و می‌گویند این به نفع شماست، اما مگر ما دنبال نفع هستیم؟

سیدحسن خمینی افزود: آمدن در میانه میدان و زهد ورزیدن و خود را ندیدن سلوک عارف است؛ اینکه حضرت علی(ع) برای خدا و معاویه برای نفس خود می‌جنگید بدان معنا نبود که چون برای خدا می‌جنگیم کاری به مسائل روز نداشته باشیم. فرق علی(ع) و دشمنان او در نیتشان بود.

وی بیان کرد: کدام‌یک از آنها که خودمان را خاک پای آنها نمی‌دانیم، کناره رفته‌اند؟ آیا هر وقت در میانه میدان بودیم، کارمان درست و نیت‌مان خیر بوده است؟ امام در نامه‌ای به پدرم می‌فرمایند که نمی‌گویم اگر در جمهوری اسلامی کاری به تو واگذار شد، کنار بکش و انجام نده، ولی اگر فرد دیگری هست که این کار را انجام می‌دهد، بگذار او انجام دهد. البته من که این حرف‌ها را می‌زنم خودم بیشتر از بقیه دوستان گرفتارم.

یادگار امام راحل گفت: مشکل ما این است که بعضا واقعیات را در دلمان گم کرده‌ایم. دوست دیگری با گرایش و فکر دیگری است که کار خوبی می‌کند، خوب اجازه دهید انجام دهد.

سیدحسن خمینی همچنین با اشاره به جنایات رژیم صهیونیستی گفت: اگر عارف می‌خواهید، آنهایی هستند که در غزه ایستاده‌اند، مرحوم سیدحسن نصرالله است که هنوز داغدار آنها هستیم و شهدای خودمان هستند. وی با اشاره به وضعیت وحشتناک در غزه گفت: این دنیا چه چیزی به صهیونیست‌ها بدهکار است که همه کاری انجام می‌دهند، البته که راه مقابله با آنها فقط یک چیز است؛ اینکه تنها و تنها براساس قدرت ملی و اسلامی بایستیم.

سردار حسین سلامی:

دست ما روی ماشه است

فرمانده کل سپاه پاسداران با بیان اینکه دست ما روی ماشه است، اگر دشمنان غلطی بکنند بی‌درنگ پاسخ‌هایی دریافت خواهند کرد که تمام گذشته خود را فراموش کنند، گفت: به مقامات آمریکایی هم می‌گوییم برای هر سناریویی آماده‌ایم و کشور ما هرگز تسلیم اراده سیاسی دیگران نمی‌شود. سردار حسین سلامی صبح دیروز در جمع پاسداران استان همدان در سالن جلسات سپاه با بیان اینکه ایران صاحب یک تاریخ کهن و پرفرازونشیب است، اظهار کرد: ملت ایران همواره در مبارزه با استعمار و استبداد و برای استقلال و آزادی و فضیلت و اخلاق مبارزات بزرگی را رقم زده است. فرمانده کل سپاه پاسداران با بیان اینکه امام راحل حرکتی عظیم را برای احیای مجدد عزت و عظمت امت اسلامی آغاز کردند، عنوان کرد: امام راحل افق جدیدی از عزت و رحمت را برای مسلمانان و ملت ایران گشودند و ما را به استقلال سیاسی رساندند.

واکاوی معادلات ایران، اروپا و آژانس در گفت‌وگو با محمدجواد جمالی‌نوبندگانی

۱۲۰ روز تعیین‌کننده

نوبندگانی: اگر ماشه فعال شود، مذاکره با آمریکا هم معنا ندارد

عبدالرحمن فتح‌الهی: سفر هفته جاری معاون رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به تهران در آستانه نشست فصلی شورای حکام (ژوئن ۲۰۲۵)، نقطه عطفی در معادلات پیچیده ایران با آژانس و تروئیکای اروپایی (بریتانیا، فرانسه، آلمان) است. این سفر، با هدف رفع ابهامات فنی درباره ذرات اورانیوم غنی‌شده در سایت‌های اعلام‌نشده، در شرایطی انجام می‌شود که تروئیکای اروپایی خواستار گزارش جامع آژانس درباره فعالیت‌های هسته‌ای تهران شده است. این گزارش می‌تواند مبنای قطع‌نامه‌ای جدید یا حتی فعال‌سازی مکانیسم ماشه باشد، که بازگشت تحریم‌های شورای امنیت را در پی دارد. ایران، ضمن تأکید بر همکاری مشروط با آژانس، این نهاد را به سیاسی‌کاری و تبعیت از فشارهای غربی متهم می‌کند. تهران هرگونه مذاکره تحت تهدید را رد کرده و خواستار رفع تحریم‌ها پیش از هر گام متقابل است. تروئیکا، با اهرم مکانیسم ماشه، به دنبال وادارکردن ایران به بازگشت به مذاکرات احیای برجام یا پذیرش محدودیت‌های جدید است. اما این رویکرد فضای دیپلماتیک را شکننده‌تر کرده و می‌تواند مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا در عمان را به بن‌بست بکشاند. فعال‌سازی ماشه یقینا واکنش‌های متقابل ایران، ازجمله افزایش غنی‌سازی یا خروج از ان‌پی‌تی را در پی دارد. در مقابل، پیشرفت در گفت‌وگوهای تهران-آژانس می‌تواند تنش‌ها را کاهش دهد، اما این امر مستلزم اعتمادسازی متقابل و اجتناب از اقدامات تحریک‌آمیز است. به منظور کاوش عمیق‌تر در این تحولات حساس و تأثیرات آن بر مناسبات هسته‌ای ایران، با محمدجواد جمالی‌نوبندگانی، نایب‌رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دهم و کارشناس برجسته روابط بین‌الملل، گفت‌وگویی انجام داده‌ایم تا تحلیل او از این سفر و دورنمای دیپلماسی هسته‌ای را به دقت بررسی کنیم.

●●●

آن‌گونه که در نشست خبری دوشنبه هفته جاری اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت امور خارجه، خبر داده، معاون «رافائل گروسی»، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، این هفته به تهران می‌آید؛ اگرچه به گفته بقائی، دستور کار این سفر درباره همکاری‌های متعارف ایران و آژانس است. اما به نظر می‌رسد در آستانه برگزاری نشست فصلی شورای حکام و تدوین گزارش درخواستی تروئیکای اروپایی از سوی آژانس باید هدف کانونی و محوری حضور معاون گروسی را در این راستا ارزیابی کرد. اگر چنین باشد، به باورتان معادلات کنونی ایران با آژانس و اروپا به چه نقطه‌ای خواهد رسید؟ آیا در یک سناریوی بدبینانه باید منتظر فعال‌شدن مکانیسم ماشه باشیم؟

این سناریویی که شما عنوان داشتید به قول خودتان یک سناریوی بدبینانه است. اما باید لایه‌های زیرین این معادلات را بررسی کنیم. به نظر من اکنون اروپایی‌ها از مذاکرات بین ایران و ایالات متحده ناراضی هستند...

به چه دلیل؟ به‌این‌دلیل که کنار گذاشته شدند؟

دقیقا، به هر حال تروئیکای اروپایی و اتحادیه اروپا جزء بازیگران اصلی در ادوار مختلف مذاکرات هسته‌ای با ایران بودند و اکنون برای آنها هضم و پذیرش مذاکرات جدید بدون حضورشان بسیار سخت است، بنابراین سعی می‌کنند از تنها اهرم فشار خود یعنی مکانیسم ماشه نهایت استفاده را ببرند تا نقش‌آفرینی حداقلی در معادلات هسته‌ای ایران داشته باشند. اما دراین‌بین باید معادلات دیگری را هم در یک سطح دیگر بررسی کنیم و آن‌هم معادلات بین دو سوی آتلانتیک یعنی ایالات متحده آمریکا و اروپایی‌هاست. اکنون این دو طرف در بسیاری از موضوعات از جنگ اوکراین گرفته تا مسئله ناتو، جنگ تعرفه‌ها و مسائل اقتصادی و تجاری و حتی موضوعاتی مانند گرینلند با هم اختلافات شدیدی پیدا کرده‌اند، پس باید این‌گونه موضوع را واکاوی کرد که اروپایی‌ها به دنبال ترسیم مسیری هستند که خود را به مذاکرات هسته‌ای ایران تحمیل کنند.

و این گزاره محتمل شما یعنی فعال‌شدن مکانیسم ماشه؟

من فعال‌شدن مکانیسم ماشه را به‌عنوان یک گزینه محتمل رد نمی‌کنم. اما اگر اروپا دست به چنین اقدامی بزند، به‌عنوان دومین اشتباه بزرگ آنها به معادلات جدیدی ختم می‌شود که قطعا به سود آنها و هیچ طرفی نخواهد بود.

دومین اشتباه! اولین اشتباه‌شان چه بوده است؟

بی‌عملی در دوران پس از برجام. تروئیکای اروپایی خود از بازیگران اصلی و امضاکنندگان برجام بودند، اما نتوانستند در معادلات پس از خروج دونالد ترامپ از برجام در دولت اول او به شکل شایسته و قابل دفاعی یک نقش سازنده و عملی ایفا کنند و در نهایت ثابت شد اروپایی‌ها بدون چراغ سبز آمریکا توان اجرائی‌کردن هیچ‌کدام از وعده‌ها و تعهدات خود را ندارند. پس اگر اروپایی‌ها دست به اشتباه دوم خود یعنی فعال‌کردن مکانیسم ماشه بزنند، شرایطی را به وجود خواهند آورد که خود آنها هم متضرر می‌شوند. به هر حال این سه کشور اروپایی عضو برجام روی آژانس و شخص گروسی اثرگذار هستند و می‌توانند به او در نشست فصلی شورای حکام پیش‌رو، سمت‌وسو بدهند و همان‌طور که گفتم، چون در مذاکرات اخیر بین ایران و آمریکا هم کنار گذاشته شده‌اند، چندان بی‌میل نیستند که از طریق فعال‌کردن مکانیسم ماشه خود را به مذاکرات تحمیل کنند.

اگرچه به اختلافات کنونی بین اروپا و آمریکا و کنار گذاشته‌شدن پاریس، برلین و لندن از مذاکرات اشاره داشتید، اما طیفی از ناظران در یک سناریوی محتمل معتقد به تقسیم وظایف بین تروئیکای اروپایی و ایالات متحده هستند و به‌همین‌دلیل گزاره پلیس خوب و پلیس بد را در قبال پرونده هسته‌ای مطرح می‌کنند. شما قائل به چنین وضعیتی هستید؟

من معتقدم شرایط کنونی و معادلات ما با اروپا و آمریکا پس از پنج دوره مذاکرات هسته‌ای، چیزی شبیه به فضای پیش از امضای برجام بود که در آن زمان اروپایی‌ها و مشخصا فرانسوی‌ها نقش پلیس بد را بازی کردند و چند دوره مانع از پیشبرد مذاکرات شدند...

بله، مشخصا لوران فابیوس، وزیر امور خارجه اسبق فرانسه، نقش مخرب خود را در آن برهه برجامی ایفا کرد...

بله و اکنون هم به نظر من دوباره فرانسه در بین این سه کشور اروپایی عضو برجام دوباره به‌عنوان یک پیشران و موتور محرک سعی دارد همان سیاست را اجرا کند. شما می‌بینید که وزیر خارجه فعلی فرانسه در یک ماه اخیر اظهارات به‌شدت تندی علیه جمهوری اسلامی ایران داشته و در زمینه تحریم‌ها و اتهام‌زنی‌ها هم فعال شده‌اند، بنابراین به نظر من شاخص حرکت اروپایی‌ها در قبال مذاکرات هسته‌ای و مکانیسم ماشه، به رفتارها و مواضع پاریس بازمی‌گردد. اما دراین‌بین یک بازیگر مخرب دیگر نقش‌آفرینی منفی در اتخاذ سیاست ضد ایرانی اروپا دارد و آن‌هم رژیم صهیونیستی است. قطعا به دلیل نفوذ لابی یهودی در هیئت حاکمه فرانسه، پاریس با حمایت لندن و برلین تلاش‌های خود را در نشست فصلی شورای حکام علیه پرونده هسته‌ای ایران در راستای فعال‌کردن مکانیسم ماشه خواهد داشت، بنابراین واقعا وضعیت کنونی یک وضعیت کاملا مبهم، شکننده و درعین‌حال پیچیده است و تا تاریخ انقضای برجام در اکتبر ۲۰۲۵ که اواخر مهرماه سال جاری شمسی خواهد بود، در قبال پرونده هسته‌ای و روابط ما با اروپا و آمریکا، شاهد یک فضای تعیین‌کننده هستیم، یعنی یک ۱۲۰ روز تعیین‌کننده پیش‌رو داریم. این ۱۲۰ روز تعیین‌کننده فقط برای جمهوری اسلامی ایران نیست، بلکه برای خود اروپا، برای خود آمریکا و برای منطقه و کل جهان خواهد بود و من امیدوارم که همه طرف‌ها به‌ویژه اروپا و آمریکا دچار اشتباه و خطای محاسباتی نشوند.

روی تهران تمرکز کنیم و ذیل یک نگاه آسیب‌شناسانه، این سؤال را بپرسم که آیا نمی‌توانستیم پیش از رسیدن به این نقطه حساس فعلی، ترمیم روابط با اروپا را در دستور کار قرار دهیم؟ مشخصا بعد از روی کار آمدن دولت پزشکیان، زمینه و فضا برای چنین موضوعی فراهم نبود؟

خیر، واقعا فضا و زمینه فراهم نبود.

یعنی در این حدود یک سال نمی‌شد کاری کرد؟

فراموش نکنیم که همان روز اول کاری دولت آقای پزشکیان با ترور شهید اسماعیل هنیه همراه بود. بعد معادلات ناشی از جنگ مستقیم بین ایران و اسرائیل در جریان بود. خود موضوع جنگ غزه و جنایات اسرائیل در غزه هم روی دیپلماسی و سیاست خارجی دولت چهاردهم اثرگذار بود و تقریبا بیشتر تمرکز و انرژی صرف

این معادلات شد. بعد شهادت سیدحسن نصرالله و معادلات لبنان، سقوط حکومت اسد و معادلات سوریه و بسیاری موضوعات دیگر پیش آمد. ضمنا خود مناسبات سیاسی داخلی برای تشکیل کابینه چهاردهم هم مطرح بود. پس این‌گونه نیست که ما فرصت برای ترمیم و تعدیل روابط با اروپا را داشتیم. زمان کافی برای این موضوع نبود که دولت چهاردهم بتواند تمرکز ویژه‌ای روی بهبود روابط با اروپا بگذارد. فراموش نکنیم که در همین برهه و با وجود تمام این مسائل، چندین دور مذاکرات بین ایران و اروپا شکل گرفت، اما این اروپایی‌ها بودند که نخواستند از فرصت احیای روابط با ایران استفاده کنند...

نخواستند یا نتوانستند؟

به نظر من، هم نخواستند و هم نتوانستند. من در همان برهه‌ای که در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دهم بودم، خود اروپایی‌ها مستقیما به ما می‌گفتند که بدون چراغ سبز آمریکا توان انجام هیچ کاری را نداریم. شما دیدید که در برهه خروج دونالد ترامپ از برجام، اروپا نتوانست هیچ گام مؤثر و عملیاتی بردارد. خیلی قول‌ها به دولت روحانی داده شد، اما هیچ‌کدام عملیاتی نشد. ۱۸ تعهد با دکتر ظریف امضا شد، اما اروپا یک مورد را هم پیاده نکرد. اروپا حتی نتوانست حداقل‌ها را هم محقق کند. در دوره جو بایدن هم همین‌طور و در دولت دوم دونالد ترامپ که به طریق اولی، اروپا توان انجام هیچ کاری را در هیچ زمینه‌ای ندارد. به همین دلیل اروپا عملا از مذاکرات کنار گذاشته شد.

پس شما هم معتقدید مذاکره مستقیم با آمریکا به مراتب بهتر از مذاکره با اروپا بود؟

وقتی ما در دوره روحانی، مرحوم شهید رئیسی و همچنین مذاکراتی که در دوره پزشکیان با اروپایی‌ها انجام دادیم به‌صراحت عنوان داشتند که توان انجام هیچ کاری را بدون چراغ سبز آمریکا ندارند، پس چرا باید انرژی خود را روی مذاکره با اروپا بگذاریم. از آن طرف خود دونالد ترامپ هم مذاکرات را بدون نقش‌آفرینی هیچ بازیگر دیگری از روسیه و چین گرفته تا تروئیکای اروپایی با ایران تعریف کرد؛ چون می‌خواست موضوع را مستقیما با خود ایران تمام کند. البته به نظر من نگاه ترامپ محدود به ایران نیست. ترامپ اکنون به دنبال حذف اروپا در تمام معادلات منطقه‌ای است. شما می‌بینید که ترامپ سعی می‌کند جای اروپا را در معادلات کشورهای حاشیه خلیج فارس پر کند.

نمی‌شد مذاکرات هسته‌ای جداگانه و موازی هم با اروپا داشته باشیم که بتوانیم رفتار آنها را در قبال فعال‌کردن مکانیسم ماشه کنترل و مدیریت کنیم؟

به نظر من رفتار اروپا در نهایت با هماهنگی آمریکا تعریف می‌شود. ما اگر بتوانیم در مذاکرات هسته‌ای با آمریکا وضعیت را به شکل بهینه مدیریت و کنترل کنیم، اروپایی‌ها هم از طریق دونالد ترامپ قابل کنترل هستند. در حالت عکس، اگر ما با اروپایی‌ها مذاکره می‌کردیم، شاید دونالد ترامپ رفتار دیگری را تعریف می‌کرد و ما با فشار مستقیم هر دو طرف اروپا و آمریکا مواجه بودیم.

یعنی اکنون با فشار دو طرف مواجه نیستیم؟

به نظر من می‌توان از طریق مذاکره با آمریکا، طرف اروپایی را مدیریت کرد، اما از طریق مذاکره با اروپا نمی‌توان آمریکا را کنترل کرد.

بیایید روی بدترین گزینه یعنی فعال‌شدن مکانیسم ماشه بعد از نشست فصلی شورای حکام تمرکز کنیم. اگر این اتفاق روی بدهد و در بدترین حالت ممکن برای ایران، تهران از ان‌پی‌تی خارج شود، چه معادلاتی بین ما و اروپا و آمریکا رقم خواهد خورد؟ به هر حال عباس عراقچی به‌عنوان وزیر امور خارجه تاکنون چندین بار به اروپایی‌ها هشدار مستقیم داده است که در صورت فعال‌شدن مکانیسم ماشه شاهد یک وضعیت غیرقابل بازگشت خواهیم بود.

من هم معتقدم گفته‌های آقای دکتر عراقچی کاملا درست است. ایشان در نشست شیراز هم دوباره این هشدار را دادند و گفتند در صورت فعال‌کردن مکانیسم ماشه، شاهد یک وضعیت غیرقابل کنترل در مسئله منع اشاعه خواهیم بود. از آن طرف عراقچی چندین بار تأکید کرده‌اند با اقدام اروپا برای بازگشت قطع‌نامه‌ها و تحریم‌های سازمان ملل، نقش اروپا برای همیشه در معادلات ایران از بین خواهد رفت. ضمن اینکه موضوع خروج ایران از ان‌پی‌تی هم مطرح است. به هر حال، این دست معاهده‌های بین‌المللی برای این است که یک‌سری حقوق و تکالیف را برای همه طرف‌ها مشخص کند؛ یعنی همان‌گونه که برای جمهوری اسلامی ایران، ذیل پذیرش ان‌پی‌تی یک‌سری حقوق و تکالیفی وجود دارد، برای همه طرف‌ها هم این حقوق و تکالیف روشن شده است. پس قرار نیست و منطقی نیست که اگر مکانیسم ماشه فعال شود، ایران همچنان به حقوق و تکالیف خود در ان‌پی‌تی متعهد بماند؛ اصلا موضوع ان‌پی‌تی نیست. اکنون نظارت‌ها و همکاری‌های ما فراتر از ان‌پی‌تی و پروتکل الحاقی است. حالا شما تصور کنید مکانیسم ماشه فعال شود و قطع‌نامه‌ها و تحریم‌ها بازگردند؛ آن زمان منطقی است که ما همچنان به ان‌پی‌تی متعهد بمانیم؟!

همین‌جا توقف کنیم. آنچه شما عنوان کردید، بیشتر شبیه ادبیات افرادی است که برای تأیید خروج ایران از ان‌پی‌تی، همواره اسرائیل را به‌عنوان بازیگری که خارج از ان‌پی‌تی هیچ‌گونه تعهد نظارتی به آژانس ندارد، مثال می‌زنند؛ درحالی‌که پرونده هسته‌ای ایران قرائت سیاسی و امنیتی پیدا کرده است، نه قرائت حقوقی، فنی و کارشناسی. لذا یقینا وضعیت ایران با اسرائیل کاملا متفاوت است. پس واکنش ایران برای خروج از ان‌پی‌تی در صورت فعال‌شدن مکانیسم ماشه بدون تبعات بعدی خواهد بود؟

من هم منکر تبعات بعدی نیستم، اما ما نمی‌توانیم هم به نظارت‌ها و همکاری‌ها ادامه دهیم و از آن طرف شاهد بازگشت تحریم‌ها و قطع‌نامه‌ها باشیم. پس ما هم باید یک واکنش هم‌وزن انجام دهیم؛ اینکه خروج ایران از ان‌پی‌تی برای ما تبعات دارد، بله احتمالا پرونده در شورای امنیت به صدور قطع‌نامه و حتی بازگشت ایران به ذیل فصل هفتم منجر شود. این یک حالت حداکثری است ولی واقعا چاره‌ای نیست. وقتی شما مذاکره کنید، نهایت نظارت و همکاری با آژانس را بپذیرید و صادقانه رفتار کنید، اما در نهایت شاهد یک رفتار خصمانه، بازگشت تحریم‌ها و قطع‌نامه‌ها باشیم، چه انتظاری از جمهوری اسلامی ایران دارید! جز اینکه یک واکنش درخور نشان دهد.

ولی این سؤال وجود دارد که خروج از ان‌پی‌تی چه دستاوردی دارد؟

ما با خروج از ان‌پی‌تی و کاهش همکاری‌ها و نظارت‌ها، حداقل می‌توانیم داشته‌های خودمان را از چشم نامحرم دور کنیم. وقتی اسرائیل دارد تهدید نظامی می‌کند و وعده حمله به تأسیسات هسته‌ای ما را می‌دهد، چرا باید به اسم همکاری و نظارت، ذیل ان‌پی‌تی تمام اطلاعات لازم برای این حمله را با دست خودمان در اختیار غرب و در نهایت صهیونیست‌ها قرار دهیم.

با این اوصافی که شما می‌گویید، آبی از سفر معاون گروسی به تهران گرم نمی‌شود.

همان‌طور که به درستی اشاره کردید، پرونده هسته‌ای ایران پیش از آنکه فنی، کارشناسی و حقوقی باشد، یک پرونده سیاسی و امنیتی شده است. لذا من دوباره تأکید می‌کنم همه چیز به مذاکرات ما با آمریکا برمی‌گردد. اگر نتیجه لازم را داشته باشد، هم اروپا قابل کنترل است و هم آژانس. یادمان نرود وقتی برجام امضا شد، ۱۵ گزارش آژانس روی فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای ایران صحه گذاشت و همان زمان PMD (ابعاد احتمالی نظامی) هم بسته شد. اکنون دوباره شاهد همان تهدیدها، همان اتهام‌ها و همان ادعاهای نظامی درخصوص پرونده هسته‌ای هستیم. در نتیجه اگر مذاکره با آمریکا به نتیجه برسد، همه این مسائل خاتمه پیدا خواهد کرد. پس من در یک جمله مهم عنوان می‌کنم که «اروپا، گروسی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تعیین‌کننده مذاکرات ایران و آمریکا نیستند، بلکه این مذاکرات است که تعیین‌کننده رفتار اروپا، آژانس و شخص گروسی خواهد بود».

برای سؤال آخر دوباره روی همان سناریوی بدبینانه تمرکز کنیم. در صورت فعال‌شدن مکانیسم ماشه چه اتفاقی برای مذاکرات ایران و آمریکا خواهد افتاد؟ آیا تهران توجیهی برای ادامه گفت‌وگوها خواهد داشت؟

قطعا خیر. اگر مکانیسم ماشه فعال شود، دیگر مذاکرات با آمریکا هم معنا ندارد؛ چون ما داریم مذاکره می‌کنیم که تحریم‌ها برداشته شود، نه اینکه تحریم‌ها و قطع‌نامه‌ها بازگردد و ما به فصل هفتم برویم و هم‌زمان مذاکرات را هم با آمریکا ادامه دهیم.

پس این جمله خودتان تحلیل پیشین شما را نقض می‌کند که اروپا و آژانس تعیین‌کننده مسیر مذاکره نیستند؟

برای اینکه واضح‌تر بگویم که منظورم چیست، به گفته قبلی خودم بازمی‌گردم. همان‌طور که قبلا گفتم، ما در یک برهه بسیار حساس و تعیین‌کننده تا مهرماه و زمان انقضای قطع‌نامه ۲۲۳۱ قرار داریم. بنابراین در این حدود ۱۲۰ روز همه عوامل، شرایط و محیط بر همدیگر اثرگذار و اثرپذیر هستند. اما در تحلیل نهایی، من باور دارم که پارامتر و فاکتور تعیین‌کننده اصلی، مذاکرات ایران و آمریکاست.

گزارش

وزیران پاسخ می‌دهند

از مدارس کانکسی تا گردشگری بین‌المللی

شرق: در حاشیه جلسه دیروز هیئت دولت، وزیران و سخنگوی دولت به سؤالات خبرنگاران پاسخ دادند و آخرین تحولات و اقدامات مهم در حوزه‌های مختلف را تشریح کردند. این نشست فرصتی بود تا وزرا ضمن ارائه گزارشی از عملکرد دستگاه‌های خود، به موضوعات کلیدی مانند آموزش و پرورش، گردشگری، حمل‌ونقل، انرژی، ارتباطات و کشاورزی بپردازند و راهکارها و برنامه‌های دولت برای بهبود شرایط کشور را تشریح کنند. در ادامه، مهم‌ترین نکات مطرح‌شده در این گفت‌وگوها به تفصیل آمده است.

برچیدن مدارس سنگی و کانکسی آغاز شده است

علیرضا کاظمی در حاشیه جلسه دیروز هیئت دولت در جمع خبرنگاران درباره اقدام این وزارتخانه در زمینه ضرب‌وشتم مدیر یک مدرسه از سوی خانواده یک دانش‌آموز گفت: موارد این‌گونه اگر بوده یا هست، قطعا با تمام وجود از تمام ظرفیت‌های قانونی استفاده می‌کنیم. ما مدافع حقوق معلمان هستیم و به این موضوع رسیدگی می‌کنیم. قطعا این مورد مانند موارد نادر دیگری که اتفاق افتاده پیگیری و رسیدگی می‌شود. من فیلم یادشده را ندیدم، اما حتما رسیدگی صورت می‌گیرد. وزیر آموزش و پرورش درباره آزمون استخدامی آموزش و پرورش گفت: اشکالاتی جزئی ایجاد شده، چون می‌دانید بخشی از این سهمیه‌ها را باید بنیاد شهید و بخشی را سازمان بهزیستی با توجه به ظرفیت‌هایی که در استان‌ها دارند، توزیع کنند و این مقداری زمان‌بر شده است. ظرفیت جذب در آزمونی که برگزار می‌کنیم یک بخش خدمتگزاری است که حدود هفت هزار نفر است و بخشی هم دبیری و آموزگاری و کیفیت‌بخشی است که نزدیک به ۳۰ هزار نفر است. وی در پاسخ به پرسشی درباره اینکه قرار بود مدارس کانکسی و سنگی جمع‌آوری شود، گفت: در مورد مدارس سنگی و کانکسی این‌طور نیست که امروز بگوییم جمع‌آوری می‌کنیم و فردا هم بگوییم بیایید عکس بگیرید. دیروز افتتاحیه و آغاز حذف مدارس سنگی را با بنیاد مستضعفان در اردوگاه امام خمینی داشتیم و به صورت ویدئوکنفرانسی در پنج استان این عملیات آغاز شد. این امر فرایندی دارد که بخشی شناسایی و بخشی تأمین زمین و منابع است. همه مقدمات انجام و کارها آغاز شده و پیش‌بینی و تلاش می‌کنیم برای مهر امسال بخش اعظمی از اینها را در اختیار آموزش و پرورش و دانش‌آموزان قرار دهیم.

کاظمی درباره لورفتن سؤالات امتحانی تأکید کرد: لورفتن سؤالات امتحانی کذب محض و شایعه و کلاهبرداری است. سازمان سنجش و مرکز سنجش آزمون‌ها این موضوع را توضیح داده و تبیین کرده است.

روند گردشگری میان ایران و مصر به‌زودی آغاز می‌شود

وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی هم در حاشیه جلسه هیئت دولت گفت: در آینده نزدیک حرکت گردشگران ایران و مصر آغاز می‌شود. این موضوع را با همکاری وزارت خارجه پیگیری کرده‌ایم و جلساتی با آنان داشته‌ایم. سیدرضا صالحی‌امیری اظهار کرد: سوم و چهارم تیر بزرگ‌ترین رویداد گردشگری را در منطقه عباس‌آباد تهران خواهیم داشت. اجلاس وزرای گردشگری از کشورهای مختلف به ایران می‌آیند. این رویداد با همکاری سازمان جهانی گردشگری و هماهنگی وزارت میراث فرهنگی برگزار می‌شود. وی افزود: می‌توانیم توسعه گردشگری را با کشورهای همسایه و منطقه قفقاز در این اجلاس افزایش دهیم. صالحی‌امیری ادامه داد: در آینده نزدیک حرکت گردشگران ایران و مصر آغاز می‌شود. این موضوع را با همکاری وزارت خارجه پیگیری کرده‌ایم و جلساتی با آنان داشته‌ایم. وزیر میراث فرهنگی تأکید کرد: با وزیر گردشگری ترکیه برای توسعه روابط گردشگری جلسه و دیدار داشتیم. ما سه‌ونیم میلیون گردشگر به ترکیه می‌فرستیم و آنان حدود یک میلیون گردشگر را به ایران می‌فرستند و به دنبال ایجاد توازن در این زمینه هستیم.

ادامه در صفحه ۳